

## بررسی مشروعیت تحریم‌های یکجانبه آمریکا در دوران پسابرجام از منظر حقوق بین‌الملل

رضوان علی محمدی<sup>۱</sup>

### چکیده

تحریم یکی از ابزارهای اجبارکننده بین‌المللی دولت‌ها برای تغییر در رفتار آنهاست. این ابزار در واقع مبتنی بر نفی اصل برابری دولت‌هاست که یک یا چند کشور علیه دیگری وضع و از او می‌خواهند تا تغییرات اساسی و بنیادین در ساختارها، هنجارها و رفتارهایش اعمال کند. جمهوری اسلامی ایران از زمان تاسیس، مورد تحریم‌های یکجانبه ایالات متحده و متحدان غربی‌اش قرار گرفته و امروزه سخت‌ترین تحریم‌ها بر آن اعمال شده است. این تحریم‌های اقتصادی با تحت‌الشعاع قرار دادن ابعاد مختلف حقوق بشر تأثیرات سوء بسیاری بر شهروندان برجای می‌گذارد. این نوع تحریم‌ها، ناقض اصل همزیستی مسالمت‌آمیز در روابط بین‌الملل است که مستلزم احترام به اصول سیاسی حقوق بین‌الملل یعنی تساوی حقوق، عدم مداخله، همکاری و دوستی، احترام به استقلال و تمامیت ارضی دولت‌ها در میان اعضای جامعه بین‌المللی است. بدون تردید تحریم‌های یکجانبه آمریکا مغایر با تضمین صلح و امنیت جهانی، همبستگی ملل، به رسمیت شناختن حق تعیین آزادانه سرنوشت و عدم توسل به زور در روابط بین‌المللی در پرتو منشور سازمان ملل متحد است. در این پژوهش با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی تبیین شده که تحریم‌های اقتصادی یکجانبه آمریکا و حتی تحریم‌هایی که در چارچوب شورای امنیت صورت گرفته، ابعاد مختلف حقوق مندرج در اسناد بین‌المللی حقوق بشر من جمله حق حیات را تضییع کرده و سطح آموزش، رفاه و بهداشت را در زمینه‌هایی مثل حق کار، غذا، استانداردهای زندگی مطلوب، توسعه و تعیین سرنوشت و ... تحت‌الشعاع بسیار قرار داده است.

**واژگان کلیدی:** تحریم یکجانبه، ایالات متحده آمریکا، منشور ملل متحد، حقوق بشر

## مقدمه

جهانی شدن اقتصاد و گسترش وابستگی متقابل اقتصادی و در نتیجه افزایش نقش اقتصاد در روابط بین‌الملل، باعث شده کشورها بطور گسترده‌ای از ابزارهای اقتصادی برای نیل به اهداف خود و ایجاد تهدید اقتصادی برای کشورهای رقیب، استفاده نمایند. در این مسیر کشورها در راستای جنگ اقتصادی، از ابزارهای گوناگون برای ایجاد تهدید اقتصادی علیه یکدیگر، استفاده می‌نمایند که این ابزارها شامل؛ اعمال فشارهای اقتصادی، عدم همکاری‌های اقتصادی و تحریم می‌باشند (منتظران، ۱۳۹۷: ۲). استفاده از تحریم‌های اقتصادی به منظور اجرای مقاصد سیاسی روش جدیدی نیست. دولت‌ها به دلایل مختلف در طول تاریخ به تحریم‌های اقتصادی متوسل گردیده‌اند. پس از انقلاب اسلامی ایران، ایالات متحده آمریکا به دلایل گوناگون، ایران را تحت تحریم‌های یکجانبه خود قرار داده است و ایران از جمله معدود کشورهایی است که تحت تحریم‌های شدید ایالات متحده در طول سالیان متمادی، قرار داشته است، تحریم‌هایی با رنگ و بوی تجاری، اقتصادی و دفاعی که به دفعات علیه ایران اعمال گردیده است. اکنون نیز دولت جدید ایالات متحده آمریکا، ضمن اعلام خروج از توافقنامه برجام که موجب توقف تحریم‌های هسته‌ای ایران گردیده بود؛ تحریم‌های جدید اقتصادی دیگری را به انگیزه اعمال فشار اساسی و حداکثری برای تغییر رفتار ایران در برنامه هسته‌ای وضع کرده است (Katzman, 2012: 2). تحریم‌هایی که با امضای دونالد ترامپ رئیس‌جمهور این کشور در قالب فرمان اجرایی رئیس‌جمهور، آغاز و به تمامی سازمان‌های فدرال این کشور بخشنامه و ابلاغ گردید. و شامل تحریم بخش خودروسازی، تجارت در بخش طلا و فلزات گران‌بها و نیز تحریم‌های مرتبط با ریال واحد پول ایران می‌گردد. در بیانیه اعلام این تحریم‌ها آمده است که علاوه بر این تحریم‌های اولیه که از ۱۶ مرداد سال ۱۳۹۷ شمسی آغاز می‌گردد، تحریم‌های مرتبط با فعالیت‌های هسته‌ای ایران نیز از ۵ نوامبر ۲۰۱۸ (۱۴ آبان ماه) به اجرا گذاشته می‌شود که بخش انرژی از جمله بخش نفت و تمام نقل و انتقالات مالی با بانک مرکزی ایران را نیز دربر می‌گیرد (منتظران، ۱۳۹۷: ۱). ایالات متحده به بهانه نقض حقوق بشر، حمایت از تروریسم و تلاش برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی علیه ایران اقدام به تحریم می‌کند. این تحریم‌ها به لحاظ ویژگی فراسرزمینی که دارند و باتوجه به اصل برابری دولت‌ها و صلاحیت تام داخلی هر کشور و همینطور اصل جهانی شدن که مستلزم همکاری و همبستگی است هیچ جایگاهی ندارند. آمریکائیان برای مشروعیت بخشی به تحریم‌های خود ایران را بعنوان خطری علیه صلح و امنیت جهانی معرفی می‌کنند تا زمینه حمله نظامی و عادی‌سازی آن را فراهم سازند. شاید مهمترین هدف آمریکا از تحریم ایران تغییر نظام حاکم باشد. تا با اعمال فشارهای اقتصادی بر دولت و شهروندان زمینه نارضایتی مردم و ناکارآمدی حکومت جمهوری اسلامی

را ایجاد و آنها را مجاب کنند که هزینه‌هایی که برای استقلال و آزادی می‌پردازند به صرفه نیست (غمامی، ۱۳۹۰: ۴).

حال سوال اینجاست که «تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران پس از خروج از برجام در سال ۲۰۱۸ تا چه حد با منشور ملل متحد (بعنوان یک سند چندجانبه بین‌المللی بسیار مهم در میان اسناد حقوقی بین‌المللی) و سایر اسناد حقوق بین‌الملل از جمله اعلامیه حقوق بشر و میثاقین تناسب داشته و دارای مشروعیت می‌باشد؟» در مقابل، فرضیه نیز عبارت از این است که «باتوجه به اینکه تحریم‌های یکجانبه آمریکا مواد متعددی از منشور ملل متحد و حقوق بنیادین مذکور در اسناد حقوق بشری را نقض و حقوق شهروندان بر بهره‌مندی از این حقوق را تضييع می‌کند، این تحریم‌ها اساساً فاقد مشروعیت براساس منشور و اسناد بین‌المللی حقوق بشر بوده و ناقضان این حقوق دارای مسئولیت بین‌المللی هستند» (زمانی و غریب-آبادی، ۱۳۹۶: ۱۱۵).

پرداختن به این موضوع اهمیت و ضرورت فراوانی دارد. دولت ایران با طرح شکایت از آمریکا به دادگاه لاهه درصد پیگیری قضایی پیرامون رفتار غیرقانونی آمریکا در قبال برجام می‌باشد. لیکن در این شرایط پیگیری حقوقی می‌تواند در ابعاد دیگری نیز دنبال شود. در این راستا ایران می‌تواند علاوه بر شکایت براساس نقض پیمان مودت میان ایران و آمریکا که در سال ۱۳۳۴ منعقد شد، با تکیه بر اصول منشور ملل متحد و اسناد حقوق بشری موجود از حقوق خود دفاع کند. بر این اساس نوشتار حاضر بطور کاملاً مصداقی موارد نقض منشور ملل متحد و تعهدات عام‌الشمول حقوق بین‌الملل از سوی ایالات متحده را در موضوع اعمال تحریم‌های یکجانبه مورد طرح و بررسی قرار می‌دهد، که این امر می‌تواند موضوعات قابل استناد دولت ایران در مراجع ذیربط بین‌المللی در چهارچوب سازمان ملل و خارج از آن و همچنین بستر مناسب برای کسب حمایت دولت‌ها و افکار عمومی بین‌المللی را فراهم نماید (سیدتقی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۱).

## ۱- تحریم‌های یکجانبه و بازگشت تحریم‌های آمریکا علیه ایران پس از خروج از برجام

### ۱-۱- مفهوم‌شناسی تحریم

تحریم گونه‌ای از اقدام تنبیهی و فشارهای اقتصادی علیه یک کشور است تا شیوه و مبنای رفتاری خویش را تغییر دهد. عبارت دیگر «تحریم‌های یکجانبه» اقدامات تنبیه‌گونه‌ای است که یک کشور علیه یک کشور دیگر براساس سیاست خارجه و امنیت ملی خود وضع می‌کند. تحریم‌های اقتصادی معمولاً بعنوان ابزاری در تعقیب سیاست خارجی بکار می‌روند. اینگونه استدلال می‌گردد که هدف اینگونه تحریم‌ها این است که تا

حدامکان به اقتصاد رقیب خسارت وارد نماید (هوهن فلدرن، ۱۳۷۹: ۳۵۰). چنانچه یکی از شگردهای اقتصادی، برای به زانو درآوردن جمهوری اسلامی ایران از سوی آمریکا، همین فشارهای اقتصادی است. آمریکا سال‌های سال است که از این حربه برای فشار بر ایران استفاده می‌کند و تلاش گسترده‌ای نیز برای همراهی کشورهای دیگر با این سیاست خود بکار گرفته است. چنانچه شرکت‌هایی را که سرمایه‌گذاری‌های کلان در ایران انجام می‌دهند را مورد تهدید و تحریم قرار می‌دهد و دولت‌هایی که با ایران همکاری اقتصادی نمایند را تهدید به تحریم می‌نماید و شرکت‌ها و مراکز تجاری یا سازمان‌های غیردولتی که از همکاری با نظام ایران خودداری نمایند را تشویق می‌نماید. عدم همکاری اقتصادی نیز به معنای خارج کردن وجوه نقدی از بانک‌ها است که به بحران مالی و نابسامانی وضعیت اقتصادی در سطح بین‌المللی منجر می‌شود، علاوه بر این، به تضعیف حاکمیت می‌انجامد (خواجوی، ۱۳۹۱: ۵). ایالات متحده آمریکا در طول سالیان دراز پس از انقلاب اسلامی، از این ابزار، علیه کشور و ملت ایران استفاده نموده است بطوریکه می‌توان گفت که از زمان کارتر تا اوباما بیش از ۱۶۱ تحریم علیه ایران وضع شده است که این رکورد جهانی برای نقض حاکمیت و تمامیت یک کشور در سطح بین‌المللی بی‌سابقه است. گرچه تحریم‌های شورای امنیت با داشتن شرایط مربوط صرفاً تنها تحریم مجاز و مشروع در منشور به حساب می‌آید ولی اکنون ایران در معرض تحریم‌های یکجابه یعنی تحریم‌های خارج از قطعنامه‌های شورای امنیت توسط آمریکا و متحدان‌اش قرار گرفته است (غمامی، ۱۳۹۲: ۹۲)، و بخشی از بی‌ثباتی اقتصادی حال حاضر بازار ایران پس از خروج آمریکا از برجام، متأثر از این ابزار اقتصادی است.

## ۲-۱- خروج آمریکا از برجام و اعمال مجدد تحریم‌های یکجانبه علیه ایران

«توافق جامع و نهایی هسته‌ای وین» با عنوان شناخته شده «برنامه جامع اقدام مشترک» یا «برجام»<sup>۱</sup> نهادی برآمده از اراده گروه دولت‌های ۵+۱ بود و بواسطه حمایت قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت جنبه‌ای از الزام‌آوری حقوق بین‌الملل را نیز بدست آورد. این توافق در روز سه‌شنبه ۲۳ تیر ۱۳۹۴ (مطابق با ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵) در وین اتریش بین ایران، اتحادیه اروپا و گروه ۵+۱ شامل چین، فرانسه، روسیه، انگلستان، ایالات متحده آمریکا و آلمان منعقد شد.

این توافق سپس در شورای امنیت به موجب قطعنامه ۲۲۳۱ رسمیت یافت. به دنبال این موارد برخی تحریم‌های هسته‌ای اروپا و آمریکا لغو و برخی دیگر به تعلیق درآمد که در نتیجه آن برخی شرکت‌های اقتصادی در حوزه‌های مختلف مجاز شدند تا با ایران وارد همکاری و تعاملات اقتصادی شوند. اما پس از گذشت حدود

<sup>۱</sup> Jcpoa: Joint Comprehensive Plan of Action

۳ سال «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور آمریکا روز سه‌شنبه ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۹۷ (مطابق با ۸ می ۲۰۰۱) اعلام کرد به مشارکت کشورش در توافق مذکور پایان داد. «استیو مانوشین»<sup>۱</sup> وزیر خزانه‌داری آمریکا چند ساعت پس از اعلام تصمیم ترامپ برای خروج از برجام در جمع خبرنگاران حاضر شده و نحوه بازگشت تحریم‌های ایران را تشریح کرد. وی از احیای بلافاصله تحریم‌های ایران خبر داده و اعلام کرد بازگشت تحریم‌ها بعد از دوره‌های ۹۰ و ۱۸۰ روزه‌ای صورت خواهد گرفت که در جریان آنها «شرکت‌ها» و «بانک‌ها» فعالیت‌های خود را که در ارتباط با ایران است، به تدریج کاهش خواهند داد. خزانه‌داری آمریکا در توضیح بیشتر در اینباره نوشت افرادی که بعد از رفع تحریم‌های ایران در پی اجرایی شدن برجام، وارد فعالیت‌هایی شده بودند که به موجب این توافق مجاز شده بود، بایستی تا ۱۵ مرداد ۱۳۹۷ (مطابق با ۶ آگوست ۲۰۱۸) و یا همچنین تا ۱۳ آبان ۱۳۹۷ (مطابق با ۴ نوامبر ۲۰۱۸) اقدامات مقتضی را برای کاهش آن فعالیت‌ها به عمل آورند. که بدین ترتیب در تاریخ‌های یاد شده این مواضع صورت واقعی گرفت و تحریم‌های مذکور به اجرا در آمد (سید تقی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۷).

تحریم‌هایی که با گذشت مدت زمان ۹۰ روز مجدداً اعمال شدند عبارتند از:

- تحریم‌های مربوط به خرید یا اکتساب اسکناس‌های دلار آمریکا توسط حکومت ایران؛
  - تحریم‌های مربوط به تجارت ایران با طلا یا فلزات گرانبها؛
  - تحریم‌های مربوط به فروش، عرضه، تأمین یا نقل و انتقال گرافیت، فلزات خام و نیمه ساخته مانند آلومینیوم و فولاد و صادرات یا نرم‌افزار برای یکپارچه‌سازی فرآیندهای صنعتی به ایران؛
  - تحریم‌های مربوط به معاملات خرید یا فروش ریال ایران یا نگهداری حساب‌ها و وجوه عمده‌ای که در خارج از خاک ایران برپایه ریال ایران نگهداری می‌شوند؛
  - تحریم‌های مربوط به خرید، پذیره‌نویسی یا تسهیل معاملات دیون حاکمیتی ایران؛
  - تحریم‌های بخش خودروسازی ایران.
- علاوه بر این، بعد از گذشت این دوره ۹۰ روزه، دولت آمریکا مجوزهای برجامی صادر شده برای رفع تحریم‌های اولیه زیر را نیز لغو کرد:
- مجوز واردات فرش و مواد غذایی از مبدأ ایران به آمریکا و برخی مبادلات مالی مرتبط با آنها ذیل مجوزهای مربوط به «قانون تحریم‌ها و مبادلات ایران»؛

<sup>1</sup> Steven Munchin

- فعالیت‌های انجام شده وفق مجوزهای صادر شده برای صادرات و بازصادرات هواپیماهای تجاری مسافربری و قطعات و خدمات مربوطه به ایران.

تحریم‌هایی که با گذشت مدت زمان ۱۸۰ روز مجدداً اعمال شدند عبارتند از:

- تحریم معامله با بخش‌های کشتی‌رانی و کشتی‌سازی ایران و عاملان بنادر شامل شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران، خطوط کشتیرانی جنوب و وابستگان به آنها؛

- حریم مربوط به معامله با شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی نفت کش ایران، شرکت بازرگانی نفت ایران (نیکو) و از جمله خریداری نفت، محصولات نفتی یا محصولات پتروشیمی از ایران؛

- تحریم‌های مربوط به مبادلات موسسات مالی خارجی با بانک مرکزی ایران و موسسات مالی ایرانی که به موجب بند ۱۲۴۵ قانون اختیارات دفاع ملی برای سال مالی ۲۰۱۲ در فهرست تحریم قرار گرفته‌اند؛

- تحریم‌های مرتبط با ارائه خدمات پیام‌رسانی مخصوص مالی به بانک مرکزی ایران و دیگری موسسات مالی ایران که در بند ۱۰۴ قانون CISADA درباره آنها توضیحات لازم آمده است؛

- تحریم‌های مربوط به ارائه خدمات پذیره‌نویسی، بیمه یا بیمه انکایی؛

- تحریم‌های مربوط به بخش انرژی ایران.

علاوه بر این، تا تاریخ ۱۴ آبان ۱۳۹۷ (مطابق با ۵ نوامبر ۲۰۱۸)، دولت آمریکا تحریم‌ها علیه افراد خارج شده از «فهرست افراد ویژه مشخص شده و بلوک شده»<sup>۱</sup> و سایر فهرست‌ها را بار دیگر اعمال کرد. در مجموع این تحریم‌ها بطور کاملاً آشکار توافق و نهاد برجام را نقض نمود.

## ۲- تحریم‌های یکجانبه آمریکا و تعهدات عام‌الشمول حقوق بین‌الملل

تحریم‌های اقتصادی معمولاً اقداماتی است که به دلیل منفعت اقتصادی صورت نمی‌گیرد، و غالباً زبانی تجاری به دولت درگیر در برنامه تحریم وارد می‌کند. به عبارت دیگر تحریم یکی از ابزارهای کنترل اقتصادی که برای دستیابی به اهداف سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد. از سوی دیگر تحریم‌های اقتصادی از جمله مفاهیمی است که در حقوق بین‌الملل اقتصادی مورد توجه قرار گرفته و براساس آن در صورتی که این امر از سوی سازمان بین‌المللی وضع شود مجاز خواهد بود، در عین حال وضع تحریم‌های یکجانبه چندان مجاز شمرده نمی‌شود. البته تاکنون در نظام بین‌الملل تحریم‌های یکجانبه عمدتاً از سوی ایالات متحده مورد استفاده قرار گرفته است (اف. لوفلد، ۱۳۹۵: ۸۶۷-۸۶۶).

<sup>۱</sup> SDN

بر این اساس بکارگیری مجدد آمریکا از این ابزار برای دستیابی به اهداف سیاسی در قبال ایران اقدامی است که می‌بایست براساس قواعد حقوق بین‌الملل مورد مذاقه قرار گیرد. در میان منابع حقوق بین‌الملل منشور ملل متحد، اعلامیه حقوق بشر، میثاقین حقوق مدنی و سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی بواسطه اعتبار و شمولیت بیشتری که در میان سایر منابع حقوقی دارند و از سوی دیگر به دلیل تعارضات چشمگیری که این تحریم‌ها با اصول و قواعد مندرج در این اسناد دارند، بیش از پیش اهمیت خواهند داشت. بنابراین بررسی تناسب میان این تحریم‌ها و این اسناد جهت بررسی مشروعیت اقدام یکجانبه آمریکا، بسیار تعیین کننده خواهد بود. در ادامه تلاش خواهد شد تا مهمترین تعارضات تحریم‌های یکجانبه آمریکا با این قواعد و تعهدات عام و آمره مورد بررسی قرار گیرد.

## ۲-۱- تحریم‌های یکجانبه و نقض منشور ملل متحد

بند اول از ماده (۱) منشور هدف ملل متحد را اینگونه تعریف می‌نماید: «حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و بدین منظور به عمل آوردن اقدامات دسته جمعی موثر برای جلوگیری و برطرف کردن تهدیدات علیه صلح و متوقف ساختن هرگونه عمل تجاوز یا سایر کارهای ناقض صلح و فراهم آوردن موجبات تعدیل و حل و فصل اختلافات بین‌المللی یا وضعیت‌هایی که ممکن است منجر به نقض صلح گردد با شیوه‌های مسالمت‌آمیز<sup>۱۳</sup> و برطبق اصول عدالت و حقوق بین‌الملل».

این بخش از ماده اول منشور صراحتاً بر «اقدامات دسته جمعی» در موضوعات مرتبط با جامعه بین‌الملل تأکید می‌کند. حال آنکه ایالات متحده علیرغم عدم همکاری اروپا، رسماً بطور یکجانبه از توافق برجام خارج شده و متعاقباً بطور یکجانبه اقدام به تحریم بر ضد عضو دیگر ملل متحد، یعنی ایران می‌نماید.

از سوی دیگر منشور ملل متحد در بند ۲ ماده (۱) ذیل مقاصد سازمان چنین بیان می‌دارد: «توسعه روابط دوستانه در روابط بین‌الملل بر مبنای احترام به اصل تساوی حقوق و خودمختاری ملل و انجام سایر اقدامات مقتضی برای تحکیم صلح جهانی». بر این اساس در وهله اول در ابتدای همین بند بر مولفه «توسعه روابط دوستانه بین ملل» بعنوان یکی دیگر از اهداف منشور تأکید شده است؛ حال آنکه طبق سیاست اخیر ایالات متحده، واشنگتن بطور کاملاً آشکار علاوه بر بسط و گسترش روابط خصمانه خود با ایران، روابط دوستانه بین ایران و سایر ملت‌ها را نیز هدف قرار داده است.

از سوی دیگر براساس همین بند بدون احترام به حق «تعیین سرنوشت» یا حق «خودمختاری» در نظام حقوق بین‌المللی بشر که بعنوان اصلی اولیه شناخته شده، صلح جهانی امکانپذیر نخواهد بود. لذا با توجه به اهداف آمریکا از اعمال تحریم علیه ایران که نهایتاً وارد آوردن فشار به قشر وسیعی از مردم و بخشی از

نیروهای مسلح ایران است، می‌توان به این نتیجه رسید که تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران بطور غیرمستقیم لطمه‌ای به حق تعیین سرنوشت و خودمختاری ملت ایران خواهد رساند که مورد تاکید قطعنامه‌های مختلف و اعلامیه‌های گوناگون نیز قرار گرفته است. بنابراین آمریکا با این اقدام خود به نوعی قاعده شناخته شده حق تعیین سرنوشت را درباره ملت ایران نفی کرده است (مجیدی، ۱۳۹۵).

علاوه بر این ماهیت تحریم‌های ثانویه مبنی بر اثرگذاری این تحریم‌ها بر بازیگران دولتی و غیردولتی مرتبط با اقتصاد ایران موجب گردیده تا حق تعیین سرنوشت بازیگران مذکور نیز نادیده گرفته شود. بعنوان مثال «ریچارد گرئل»<sup>۱</sup> سفیر آمریکا در آلمان در مصاحبه‌ای با فاکس نیوز گفت که شرکت‌ها بایستی بین تجارت با ایران و آمریکا یکی را انتخاب کنند (Grenell, 2018). نه فقط شرکت‌های چندملیتی، بلکه برخی دولت‌ها نیز ناگزیر از نادیده گرفتن حق خود و متعاقباً پذیرش فشارهای آمریکا هستند. طبق اعلام خبرگزاری رویترز در هفتم تیرماه ۱۳۹۷ (مطابق با ۲۸ ژوئن ۲۰۱۸)، وزارت نفت هند از پالایشگاه‌ها و تولیدکنندگان محصولات خود خواسته بود تا از ماه نوامبر سال ۲۰۱۸ برای کاهش «شدید و حتی تا حد صفر» واردات نفت ایران آماده باشند. این اولین نشانه از فشارهای ایالات متحده بر دومین مشتری نفتی ایران بود. در مجموع آنچه مشهود است این است که واشنگتن با اعمال تحریم‌های ثانویه حق تعیین سرنوشت را از دولت‌ها، شرکت‌های اقتصادی و افراد سایر ملل سلب نموده است که آشکارا نقض منشور ملل متحد محسوب می‌گردد (سید تقی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۲: ۵۳).

از طرفی نقض حق تعیین سرنوشت از منظر دیگری هم قابل تامل است. همانطور که قبلاً بیان شد شاید اساسی‌ترین هدف آمریکا از اعمال تحریم و فشار حداکثری بر ملت ایران تغییر نظام حاکم باشد. هر ملتی حق دارد هر نوع نظامی را در کشور خود مبتنی بر کلیات حقوق بشری استوار سازد. و هیچ کشور و سازمانی حق دخالت در این مسائل را ندارد. تحریم‌های غرب علیه ایران بویژه آمریکا به هدف تغییر نظر ایرانیان در خصوص نظامی که مستقر کرده‌اند نقض حق تعیین سرنوشت است.

در بند اول از ماده دوم منشور ملل متحد آمده است: «سازمان ملل بر مبنای اصل تساوی حاکمیت کلیه اعضاء آن قرار دارد». بر این اساس هیچ دولتی بر دولت دیگر برتری ندارد. لیکن مقامات آمریکایی صراحتاً با زیر پا گذاشتن این قسمت از اصول منشور، با تحکم نسبت به تهران، زمینه نقض حاکمیت دولت ایران را فراهم نمودند. بعنوان مثال حدود دو هفته بعد از خروج آمریکا از برجام، مایک پامپئو در پیامی در صفحه توئیتر خود نوشت: «راهبرد ما در قبال ایران تشکیل اجماعی جهانی است که از ایران بخواهد هر آنچه ما از کشورهای

<sup>1</sup> Richard Grenell



دیگر می‌خواهیم، انجام دهد و مثل یک کشور عادی رفتار کند» (باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۷/۰۳/۰۶). در واقع پامپئو با بیان اینکه ایران می‌بایست هر آنچه که آمریکا می‌خواهد را انجام دهد، دولت آمریکا را در جایگاهی برتر از دولت ایران قرار داده و از این موقعیت اقدام به اعمال نظر نسبت به ایران داشته است. لذا همانطور که مشهود است این کشور صراحتاً اصل تساوی حاکمیت دولت‌ها و بند اول از ماده دوم منشور را زیر پا گذاشته است (سید تقی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۲: ۵۵).

همچنین بند چهارم از ماده دوم اظهار می‌دارد که: «کلیه اعضاء در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد مابینت داشته باشد خودداری خواهند نمود». توسل به زور در هر شکلی بعد از حکومت منشور ممنوع شده است. منشور اقدام خودسرانه و خارج از منشور را نیز رد می‌کند. در حالیکه این موارد حاکی از لزوم استفاده از اقدامات مسالمت‌آمیز و نفی هرگونه اجبار در حل و فصل اختلافات تأکید می‌کند، اما اقدام یکجانبه ایالات متحده همراه با اجباری شدید و نفی اقدامات مسالمت‌آمیز بوده است. توسل به زور اصل برابری میان دولت‌ها را نیز نقض می‌کند. تحریم‌های یکجانبه بعنوان اقدامی خودسرانه اساس حقوق بین‌الملل را زیر سوال می‌برد چراکه اقدامی قهرآمیز برای نفی استقلال و برابری دولت‌ها محسوب می‌شود.

۱۵

طبق ماده (۲۵) منشور، اعضای ملل متحد می‌پذیرند که تصمیمات شورای امنیت را که مطابق با منشور است اجرا کنند. این مطلب دقیقاً در قطعنامه ۲۲۳۱ مورد اشاره قرار گرفته است. بر این اساس در قطعنامه مذکور آمده است که: «با تأکید بر اینکه دولت‌های عضو براساس ماده (۲۵) منشور ملل متحد مکلف هستند تصمیمات شورای امنیت را پذیرفته و اجرا نمایند:

۱) برجام را تأیید کرده، و خواستار اجرای کامل آن براساس برنامه زمانی مندرج در برجام است؛  
 ۲) از همه دولت‌های عضو، سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی می‌خواهد آن دسته اقداماتی که برای حمایت از اجرای برجام مناسب باشد را اتخاذ نمایند، از جمله با انجام اقداماتی که همسو با برنامه اجرایی برجام و این قطعنامه هستند، و نیز از طریق خودداری از اقداماتی که اجرای تعهدات وفق برجام را با مشکل روبرو می‌نماید (Resolution of 2231:2015).

۳) بنابراین آمریکا با خروج از برجام و اعمال مجدد تحریم‌ها برخلاف قطعنامه شورای امنیت عمل کرده و در واقع از تصمیمات این شورا در ارتباط با پایبندی به برجام و خودداری از هرگونه عمل خلاف و نامتناسب با برجام تخلف کرده است.

تحریم‌های یکجانبه آمریکا همچنین ناقض فصل ششم منشور نیز می‌باشد. این فصل از منشور ملل متحد، به اصل مهم حقوقی لزوم «حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات» می‌پردازد. به موجب بند اول از ماده (۳۳) منشور «طرفین هر اختلاف که ادامه آن متحمل است حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر اندازد باید قبل از هر چیز از طریق مذاکره، میانجیگری، سازش، داوری، رسیدگی قضایی و توسل به موسسات یا ترتیبات منطقه‌ای یا سایر وسایل مسالمت‌آمیز بنا به انتخاب خود راه‌حل آن را جستجو نمایند». بند سوم از ماده (۲) نیز در همین راستا بیان می‌کند که: «کلیه اعضاء اختلافات بین‌المللی خود را با وسایل مسالمت‌آمیز به طریقی که صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت به خطر نیافتد، حل خواهند کرد». بر این اساس اگر بنا بر فرض ایالات متحده در مسائل فیما بین در برنامه هسته‌ای ایران دچار اختلاف گردیده است در ابتدا باید با تمسک به اصل حل و فصل مسالمت‌آمیز از طریق ابزارهای فوق نسبت به حل اختلاف خود مبادرت می‌نمود.

بنابراین اولین گامی که آمریکا می‌بایست در راه‌حل اختلاف خود بر می‌داشت که مطابق با ماده (۳۳) منشور است، اقدام در چارچوب «سازوکار حل اختلاف» که در خود توافق برجام تبیین شده است، می‌باشد. در ماده (۳۶) این توافق چندجانبه، آمده است که طرفین می‌بایست طی مراحل متفاوت در قالب کمیسیون برجام و یا تشکیل هیأت مشورتی موضوع مورد اختلاف را بررسی و از این طریق موضوع را فیصله دهند. این ماده تصریح می‌کند که پس از این سیر مراحل «چنانچه طرف شاکی معتقد باشد که موضوع، مصداق «عدم پایبندی اساسی» می‌باشد، آنگاه آن طرف می‌تواند، موضوع فیصله نیافته را، بعنوان مبنای توقف کلی و یا جزئی اجرای تعهداتش وفق برجام قلمداد کرده و یا به شورای امنیت سازمان ملل متحد ابلاغ نماید که معتقد است موضوع مصداق «عدم پایبندی اساسی» به شمار می‌رود (برجام، ۱۳۹۴: ۱۸-۱۷). ایالات متحده برخلاف ماده (۳۶) برجام و به طریق اولی برخلاف بند اول منشور اعتراض خود را به روش‌های مسالمت‌آمیز حل اختلاف پیگیری ننموده و از این جهت ماده مذکور را نقض نموده است.

ماده (۵۵) منشور ملل متحد بر «حصول شرایط ترقی و توسعه در نظام اقتصادی و اجتماعی» جهت ایجاد شرایط ثبات و رفاه برای تأمین روابط مسالمت‌آمیز و دوستانه بین‌الملل تأکید دارد. حقوقدانان از این ماده مفهومی تحت عنوان حق بر توسعه را برداشت کرده و گسترش داده‌اند. حق توسعه از موضوعات اساسی اسناد نسل سوم حقوق بشر یا همان حقوق همبستگی است. در واقع مبنای حق توسعه را می‌توان در همبستگی بین‌المللی خلاصه نمود. امری که نیاز متقابل ملت‌ها را به یکدیگر مدنظر قرار می‌دهد. از این‌رو اصل همبستگی بین‌المللی اقتضا می‌کند که کشورها در اعمال مشروع آزادی اقتصادی خویش از توسل به هرگونه عملی که موجب ضرر اساسی برای دیگر تابعین حقوق بین‌الملل گردد خودداری ورزند (خواجه‌جوی، ۱۳۹۱: ۱۶).

اجلاس تجارت و توسعه ملل متحد (آنکتاد) نیز اقدامات اقتصادی قهرآمیز را بویژه هنگامی که علیه کشورهای در حال توسعه بکار می‌رود، محکوم می‌نماید. این قطعنامه همچنین اعلام می‌دارد که این اقدامات کمکی به ایجاد جو مسالمت‌آمیز که لازمه توسعه است، نمی‌کند. آنکتاد در بخشی از قطعنامه‌ای تحت عنوان "عدم قبول اقدامات اقتصادی قهرآمیز" تصریح می‌کند که: تمام کشورهای توسعه‌یافته باید از اعمال محدودیت تجاری، محاصره، ممنوعیت معامله و سایر مجازات‌های اقتصادی مغایر با مقررات منشور ملل متحد، علیه کشورهای در حال توسعه، بعنوان شکلی از اجبار سیاسی که بر توسعه اقتصادی سیاسی و اجتماعی این کشورها اثر می‌گذارد، خودداری ورزند (منتظران، ۱۳۹۷: ۳).

حق توسعه شامل تلاش کشورها برای توسعه‌شان باید مورد احترام سایر دول و سازمان‌ها قرار گیرد. کشورهای توسعه یافته می‌بایست حداکثر تلاش خود را در جهت کمک به کشورهای در حال توسعه بکار گیرند. هر دوی این پیش شرطها با تحریم ایران نقض شده است. چون کشورهای پیشرفته نه تنها حق توسعه ایران را هیچگاه به رسمیت نشناخته‌اند بلکه همواره موانع متعددی را پیش‌روی آن قرار داده‌اند. تحریم‌های جامع و ثانویه نقض حق توسعه جمهوری اسلامی است بدین خاطر که نه تنها اجازه توسعه مستقل را نمی‌دهد بلکه در وضعیت فشار و تهدید هرگونه کمک سایرین به کشورمان را نیز مختل می‌سازد (غمامی، ۱۳۹۲: ۱۰۱).

## ۲-۲- نقض حق حیات

حق حیات بعنوان مهم‌ترین و عالی‌ترین حقی که سایر حقوق نیز از آن ناشی شده و از آن به مادر حقوق بشر نام برده می‌شود و تحت هیچ شرایطی قابل تعلیق و تحدید نیست، در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی و کنوانسیون حقوق کودک و بسیاری اسناد بین‌المللی دیگر مورد تاکید قرار گرفته است. نقض این حق تنها با اعدام و یا کشتار جمعی رخ نمی‌دهد بلکه مانع امرار معاش شدن هم مصداق نقض حق حیات است. آثار منفی تحریم‌های ضد ایرانی شورای امنیت و آمریکا بر حق حیات شهروندان ایرانی انکارناپذیر است. چراکه بروز فقر، وقفه در ارائه خدمات اجتماعی و کمبود دارو در نتیجه تحریم‌ها، گسترش میزان مرگ و میر را در ایران به دنبال داشته است. براساس گزارش‌ها، در طول دوره اعمال تحریم‌ها، صدها نفر از شهروندان ایرانی به دلیل کمبود دارو جان خود را از دست داده‌اند.

قرار دادن مواد دو منظوره در فهرست تحریم‌های شورای امنیت و آمریکا و متحدانش موجب شده است که بسیاری از شهروندان ایرانی از حق استفاده از تجهیزات پزشکی ساخته شده از این مواد دو منظوره محروم شوند و جان خود را از دست بدهند. همچنین تاثیرات اقتصادی منفی تحریم‌ها موجب افزایش قیمت مواد

غذایی و بالا رفتن نرخ تورم شده و حق دسترسی به غذا که یکی از اصول بنیادین حقوق بشری محسوب می‌شود را به خطر انداخته است (منتظران، ۱۳۹۷: ۵). همچنین تحریم‌های نفتی و بانک مرکزی امرار معاش ایرانیان را با مشکل مواجه کرده است. چون بخش اعظم تامین معاش جامعه ایرانی از محل فروش نفت است و بانک مرکزی صندوق مالی همه ملت است. و تحریم این دو بدون شک نقض حق حیات ملت ایران است چراکه نمی‌توانند پولی تحصیل کنند و یا ذخیره کنند تا با آن امرار معاش نمایند (غمامی، ۱۳۹۲: ۱۰۰).

### ۲-۳- نقض حق بر آموزش

حق بر آموزش یک حق مسلم بشری و یکی از حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. و یکی از نیازهای بنیادین انسان است. بنابراین مهمترین مبنای فلسفی حق بر آموزش حیثیت ذاتی انسان‌هاست (Dieter Beiter, 2006: 1). این حق بعنوان یک حق «توانمندساز»<sup>۱</sup> زمینه برخورداري فرد از توانایی‌ها و استعدادهايش را فراهم خواهد نمود تا از آن طریق بتواند از سایر حقوق و تکالیف خود بهره‌مند گردد (Rajendra Prasad, 2005: 8).

اعلامیه حقوق بشر نخستین سند بین‌المللی است که حق بر آموزش را بعنوان یک حق بشری به رسمیت شناخته است. در میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و کنوانسیون حقوق کودک هم برحق همه افراد و کودکان بر آموزش و باتوجه به فرصت‌های برابر تصریح شده است. اگرچه حق بر آموزش در حوزه‌های مربوط به آموزش اجباری و عدم تبعیض یک قاعده عام‌الشمول و عرفی است اما هنوز بعنوان یک قاعده آمره پذیرفته نشده است. با این وجود این حق یک حق اساسی و غیرقابل انحراف است.

وضع تحریم‌های اقتصادی جامع و یا بخشی هر یک آثار خود را بر حق آموزش خواهند داشت. تحریم‌های اقتصادی می‌توانند زمینه افزایش بیسوادی، ترک تحصیل، تخریب و تضعیف ساختارها، زیرساخت‌ها و امکانات آموزشی مدرن مانند اینترنت و آموزش‌های مجازی را فراهم نماید. زیرا حق بر آموزش علاوه بر وجوه فرهنگی و اجتماعی دارای جنبه‌های اقتصادی نیز می‌باشد. این حق از جمله حقوقی است که با حقوقی مثل حق بر غذا، حق بر آب، حق استفاده از پیشرفت‌های علمی، منع تبعیض، حق بر کار و حق بر سلامت ارتباط مستقیم دارد. محدودیت‌های اقتصادی علیه یک کشور نه تنها هریک از این حقوق را مستقلاً بلکه حقوق مرتبط با آنها را نیز تحت‌الشعاع قرار خواهد داد (حبیبی مجنده و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۰).

<sup>1</sup> Empowerment

## ۲-۴- نقض حق بر سلامتی

سلامت امروزه بعنوان یک حق بشری پایه محسوب می‌شود و از آنجا که محافظت از سلامت مردم در حکم یک مسئولیت عمده حاکمیت تلقی می‌شود بنابراین مراقبت‌های بهداشتی یک وجه مهم سیاستگذاری و مدیریت مدنی را تشکیل می‌دهد (Aneski, 2005: 442). حق بر سلامتی یکی از بنیادی‌ترین، بدیهی‌ترین و گسترده‌ترین حق‌های بشری در نظام بین‌المللی حقوق بشر به شمار می‌آید. اولین اشاره به این مفهوم در ماده (۵۵) منشور ملل متحد آمده است که طبق بند (ب) این ماده، دولت‌ها متعهد به ترویج راه‌حل‌هایی برای مشکلات مربوط به سلامت هستند.

بهداشت و سلامت موضوعی بین‌المللی است و ارتباطی محکم میان بهداشت و سلامت با صلح و امنیت جهانی وجود دارد. سازمان جهانی بهداشت که در سال ۱۹۴۸ همزمان با امضای اعلامیه جهانی حقوق بشر ایجاد شد، تحقق بهداشت و اعتلای استانداردهای بهداشتی را سرلوحه اهداف خود قرار داد و در مقدمه اساسنامه این سازمان، بهره‌مندی از بالاترین استانداردهای قابل حصول سلامتی و بهداشت در محدوده‌ای فراتر از بیماری مورد توجه قرار گرفت. علاوه بر این حق بر سلامت یا امنیت بهداشتی در اسناد و قوانین بین‌المللی مختلف همچون؛ اساسنامه سازمان جهانی بهداشت و ماده (۲۵) اعلامیه جهانی حقوق بشر، در ماده (۱۲) میثاق بین‌المللی اجتماعی فرهنگی، ماده (۱۲) کنوانسیون رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان، ماده (۲۹) کنوانسیون حقوق کودک و ماده (۵) کنوانسیون رفع تمامی اشکال تبعیض نژادی مورد تأکید قرار گرفته است. در ماده (۱۲) میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آمده است کشورهای طرف میثاق حق هرکس را به تمتع از بهترین حالت جسمی و روانی ممکن‌الحصول به رسمیت می‌شناسد و تدابیری که دولت‌ها باید برای استیفای کامل بهداشت و سلامت اتخاذ کنند، عبارت است از: انجام اقداماتی در جهت توسعه سلامت کودکان و کاهش مرگ‌ومیر آنها، بهبود بهداشت محیط و بهداشت صنعتی، پیشگیری و معالجه و کنترل بیماری‌های همه‌گیر بومی، حرفه‌ای و سایر امراض و تأمین خدمات و مراقبت‌های پزشکی در مواقع بیماری. در ماده (۲۵) اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز به حق برخورداری از سلامتی پرداخته است. طبق بند (۱) این ماده هرکس حق بر تأمین زندگی شایسته از حیث خوراک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی را دارد؛ این ماده حق بر زندگی آبرومند را بیان می‌کند که یکی از لوازم زندگی شایسته و آبرومند تأمین نیازهای اولیه‌ای مثل سلامت است (عباسی و دیگران، ۱۳۹۴). ماده (۲) منشور حقوق شهروندی هم اذعان دارد که شهروندان از حق زندگی شایسته و لوازم آن همچون آب بهداشتی، غذای مناسب، ارتقای سلامت، بهداشت محیط، درمان مناسب، دسترسی به دارو، تجهیزات، کالاها و خدمات پزشکی، درمانی و

بهداشتی منطبق با معیارهای دانش روز و استانداردهای ملی، شرایط محیط زیستی سالم و مطلوب برای ادامه زندگی برخوردارند (خانی، ۱۳۹۸).

در این میان، حق بر دسترسی به دارو نیز یک حق بنیادین و یکی از عناصر اصلی در تحقق حق بر سلامت قلمداد می‌شود که براساس آن، هر فردی حق دارد در مواقع ابتلا به بیماری، به داروهای اساسی از قبیل واکسن‌ها، آنتی‌بیوتیک‌ها، کپسول‌ها و محلول‌های تزریقی و خوراکی در هر زمان و مکان دسترسی داشته باشد. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز در تفسیر عمومی شماره ۱۴ خود، دسترسی به داروهای اساسی را بعنوان حقی بشری توصیف کرده که از عناصر اصلی تحقق عالی‌ترین سطح قابل حصول سلامت جسمی و روانی به شمار می‌رود. علاوه بر این، کمیسیون (سابق) حقوق بشر ملل متحد نیز اشاره داشته که دسترسی به دارو در مورد بیماری‌های فراگیر، عنصری حیاتی برای تحقق تدریجی و کامل حق بر بهره‌مندی از عالی‌ترین سطح، قابل حصول سلامت به شمار می‌رود (نیاورانی و جاوید، ۱۳۹۵).

طبق حق بر سلامت و بطور اخص حق دسترسی به داروهای اساسی، دولت‌ها موظفاند که دسترسی و امکان تهیه داروها را برای همه تضمین کنند و از وجود محدودیت‌ها یا موانع در دسترسی به داروهای اساسی پیشگیری کنند. در مقطع کنونی که همه‌گیری ویروس کرونا جدید در جهان، سلامت و اقتصاد تمامی مردم جهان را تحت تأثیر قرار داده است، تأمین تجهیزات پزشکی و دارویی برای درمان بیماران کرونایی از سوی ایران، با دشواری‌های بسیاری روبرو شده است. در واقع دولت آمریکا هر کشور و نهاد و شرکتی را که دست به معامله و مبادله کالاهای پزشکی و درمانی با ایران بزند را مورد هدف تحریم‌های ثانویه خود قرار می‌دهد و عملاً مانع صادرات دارو و تجهیزات پزشکی به ایران شده است، اقدامی که نقض حق بر سلامتی ایرانیان تلقی می‌شود، گرچه گفته می‌شود که دولت آمریکا معافیت‌هایی برای واردات بشردوستانه در نظام تحریم‌هایش علیه ایران در نظر گرفته است. ولی آنچه مشخص است تحریم‌های گسترده علیه بانک‌های ایرانی، توانایی ایران را در پرداخت هزینه واردات بشردوستانه محدود نموده است و ایران را با مشکلاتی در زمینه تهیه دارو و کمک‌های بهداشتی‌ای که برای مقابله با کرونا به آنها نیاز مبرم و ضروری دارد، مواجهه نموده است. اقدامی که حق بهبودی سریع و بیشتر را از مردم ایران را گرفته و آنها را در معرض رنج و درد قابل‌ملاحظه قرار داده است، موضوعی که می‌توان نشانه‌ای واضح از نقض حق سلامتی ایرانیان در شرایط اپیدمی کرونا امید و ادامه یافتن آن در شرایط فراگیری این ویروس را مغایر با اصول بنیادین حقوق بشر و قواعد حقوق بین‌الملل دانست.

## ۲-۵- اصل عدم مداخله در امور داخلی

موضوعی که در تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه کشورها نباید از منظر حقوقی از آن غفلت کرد، ماهیت فرا سرزمینی بودن آنهاست که از آنها بعنوان تحریم‌های ثانویه یاد می‌شود. براین اساس اتباع، شرکت‌ها و کشورهای ثالث نیز مجبور می‌شوند از انجام تجارت با کشور هدف خودداری کنند و گرنه مجازات می‌شوند. درخصوص مشروعیت این تحریم‌ها می‌توان بیان داشت که اعمال صلاحیت فراسرزمینی توسط دولت ایالات متحده سبب ایجاد تعارض‌های جدی بین قوانین آمریکا و کشورهای دیگر شده است. ماهیت فرا سرزمینی بودن، ضد دمکراتیک است. سوال مهم این است که بعنوان یک موضوع حقوق بین‌الملل آیا آمریکا می‌تواند اشخاص در خارج از صلاحیت خود را وادار به اجرای تحریم‌های آمریکا کند؟

این توافق بین اندیشمندان و حقوقدانان وجود دارد که صلاحیت، جنبه‌ای از حاکمیت است. اعمال صلاحیت سرزمینی دولت‌ها نسبت به اشخاص خود در قلمروشان یک مفهوم پذیرفته شده در حقوق بین‌الملل عرفی است. از آنجا که کشورها مستقل و از لحاظ حقوقی تحت حقوق بین‌الملل برابر هستند، هیچ دولتی نمی‌تواند صلاحیت خود را بر سرزمین دولت دیگر بدون توافق آن اعمال دارد.

اصل عدم مداخله در امور داخلی در اعلامیه‌های متعدد مصوب سازمان‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی، از جمله قطعنامه ۱۳۱۲ اجلاس بیستم مجمع عمومی در ۱۹۶۵ یعنی اعلامیه غیر مجاز بودن مداخله در امور داخلی دولت‌ها و حمایت از استقلال و حاکمیت آنها، منعکس شده است. بند ۲ قطعنامه فوق مقرر می‌دارد: «هیچ دولتی نمی‌تواند از اقدامات اقتصادی، سیاسی یا هر نوع دیگر از این اقدامات برای مجبور کردن دولتی دیگر به منظور فرمان‌برداری از آن در اعمال حق حاکمیت خود استفاده یا این اقدامات را تشویق کند و یا تضمین هر نوع امتیازی را از آن دولت مطالبه نماید». با تکیه بر این قطعنامه، دیوان بین‌المللی دادگستری و رسیدگی به دعوای مربوط به فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی در نیکاراگوئه و علیه آن، محتوای این اصل را مورد توجه قرار داد. براین اساس می‌توان گفت که تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران و تهدید و دستور این کشور به سایر کشورها مبنی بر لزوم اجرای تحریم مدنظر این کشور، ناقض اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها محسوب می‌گردد (منتظران، ۱۳۹۷: ۶).

## ۲-۶- نقض تعهدات قراردادی و آزادی تجارت بین‌المللی

از مهمترین قراردادهای میان ایران و آمریکا عهدنامه مودت است. که حتی بعد از انقلاب و هم‌اکنون طرفین علی‌الخصوص طرف آمریکایی در دیوان داوری ایران و آمریکا بدان استناد می‌کنند. بر این اساس طرفین حق

انجام رفتارهای خصومت‌آمیز علیه منافع یکدیگر را ندارند. در حالیکه این عهدنامه همچنان باقی و حاکم است وضع تحریم‌ها قابل قبول نیست چراکه نقض تعهد قراردادی محسوب می‌شود.

از جمله اصول موافقتنامه‌ها و قواعد حقوق بین‌الملل از جمله موافقتنامه تریپس ماده (۶۴) و اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل، آزادی تجارت است. بر این اساس لازمه زندگی بین‌المللی انسان‌ها آزادی تجارت با سایر ملت‌ها می‌باشد. تحریم و فشارهای اقتصادی اگرچه در کوتاه‌مدت می‌تواند تأثیراتی با اغراض سیاسی بر عمل سیاست‌مداران کشور مورد هدف تحریم داشته باشد، ولی خود می‌تواند با اختلال در همکاری‌های بین‌المللی و زیر سوال بردن منافع مشترک بین کشورها به صلح و ثبات بین‌المللی لطمه وارد آورد که این مسئله چالشی بزرگ برای حقوق بین‌الملل به حساب می‌آید که با اهداف و اغراض تشکیل سازمان ملل متحد نیز منافات دارد. علاوه بر این به نظر می‌رسد که تحریم‌های اقتصادی از منظر حقوق بین‌الملل اقتصادی در تناقض آشکار با تجارت آزاد و حق حاکمیت کشورها نیز قرار می‌گیرد.

تحریم علیه کشوری که بخش عمده‌ای از انرژی جهان را تولید می‌کند به دو معنا است: یا تجارت آزاد برای کشور هدف تحریم شناسایی نشده است و یا اینکه تجارت آزاد به علت ناامنی در بازار دچار ریسک و اختلال در بازار می‌شود. و سایر کشورها از انجام تجارت آزاد روی برگردان می‌شوند. و از تجارت جهانی دوباره به سمت تجارت ملی سوق داده می‌شوند (غمامی، ۱۳۹۲: ۱۰۳).

### نتیجه‌گیری

تحریم‌های گسترده که در عرصه بین‌المللی نوعی رفتار خصمانه غیرنظامی محسوب می‌شود بنیان قواعد حقوق بین‌الملل و حقوق بشر را متزلزل کرده است. چنین اقداماتی سراسر جهان را در وضعیت جنگی قرار می‌دهد چراکه تمامی اصول حقوق بین‌الملل مخصوصاً برابری و حق تعیین سرنوشت را زیر سوال برده و حق غیرقابل چشم‌پوشی حیات و تامین غذای یک ملت را در فضای آزاد نقض کرده است. به عبارت دیگر آنچه به نظم در عرصه بین‌المللی قوام می‌بخشد هنجارهای مربوط به قرارداد و حفظ قول یا وفای به عهد است. بر این اساس اقدامات نامشروع و اشنگتن می‌تواند موجبات تضعیف قواعد مشترک بین‌المللی و حقوق بین‌الملل و بطور خاص منشور ملل متحد را فراهم کرده و بعنوان عامل بر هم خوردن نظم و صلح و امنیت بین‌المللی تلقی شود؛ که این عامل ایالات متحده را دچار مسئولیت بین‌المللی می‌نماید.

لذا آنچه مشخص است، جامعه‌ی بین‌المللی تنها به سازمان ملل متحد اختیار داده است که در وضعیت‌های خاص که تهدید علیه صلح یا نقض صلح وجود دارد، اقدامات اقتصادی قهرآمیز را اتخاذ کند (به ماده ۹۳ منشور نگاه کنید). لذا اقدامات یکجانبه دولت‌ها برای اعمال اقدامات اقتصادی قهرآمیز علیه سایر دولت‌ها



هیچ مبنایی در حقوق بین‌الملل نداشته و قطعنامه‌های مختلف مصوب ارکان سازمان ملل متحد نیز برای این نکته تأکید دارند. براین اساس تحریم‌های یکجانبه آمریکا بر مبنای حقوق بین‌الملل، سازمان ملل و حقوق بشر، غیرحقوقی و غیرمشروع است و عمل یکجانبه آمریکا نیز در تحریم ایران، ناقض اصل همزیستی مسالمت‌آمیز در میان دولت‌ها است. تحریم‌های یکجانبه آمریکا مغایر با تضمین صلح و تحکیم امنیت جهانی، همبستگی اجتماعی ملل، به رسمیت شناختن حق تعیین آزادانه سرنوشت و عدم توسل به زور در روابط بین‌المللی در پرتو منشور سازمان ملل متحد است. همچنین، منافی با برقراری همکاری‌های بین‌المللی در شرایط عادلانه و منصفانه براساس میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ناقض حق توسعه اقتصادی کشورها به موجب منشور حقوق و وظایف اقتصادی دولت‌ها و مخالف با مقررات سازمان تجارت جهانی است که دنباله‌رو بسط و توسعه نظام تجارت آزاد متکی بر همگرایی کشورها در سطح بین‌المللی هست.

از سوی دیگر هرچند روسیه، چین و اتحادیه اروپا در قبال خروج ایالات متحده از برجام و اعمال مجدد تحریم‌ها از همان لحظات ابتدایی، اظهار تأسف نموده و آن را مردود اعلام کردند، اما سکوت این کشورها و انفعال شورای امنیت بویژه در رابطه با نقض قطعنامه ۲۲۳۱ حاکی از این است که این کشورها نیز به نوعی تسهیل‌کننده اقدام واشنگتن بوده‌اند. بنابراین این سکوت نافی مسئولیت شورای امنیت در این موضوع نخواهد بود و طبق ماده (۳۳) منشور این شورا به وضوح در مأموریت تعریف شده خود اهمال نموده است. حال آنکه انفعال سایر کشورهای عضو گروه ۵+۱ نیز تا حدودی مسئولیت بین‌المللی را متوجه آنها می‌سازد. پیگیری ایران پیرامون مسئولیت آمریکا بواسطه نقض منشور ملل متحد و اصول و قواعد عام حقوق بین‌الملل در قبال جامعه بین‌المللی موجب خواهد شد تا این کشور در گسترش اقدامات خود در روند افزایش بحران و تشدید گفت‌وگو سازی و همگرایی علیه ایران با محدودیت مواجه شده و در پیگیری اقدامات غیرقانونی خود ناکام باشد. طبق منشور ملل متحد اولین نهاد مسئول در قبال رسیدگی به موضوع تهدید یا نقض صلح، شورای امنیت سازمان ملل می‌باشد. بر این اساس با توجه به بن‌بست‌های احتمالی در شورای امنیت بواسطه نقش-آفرینی آمریکا و از سوی دیگر انفعال طرف‌های مخالف اقدام آمریکا، به نظر می‌رسد پیگیری این امر از سوی مجمع عمومی سازمان ملل در چهارچوب «اتحاد برای صلح» بیش از پیش مطلوبیت خواهد داشت. این امر راهی برای خروج از بن‌بست مقابله با اقدام آمریکا در نقض‌های جدی منشور ملل متحد و متعاقباً تهدید صلح از جانب این دولت را فراهم می‌نماید.

## فهرست منابع

فارسی:

- ۱- اف لوفلد، آندریاس (۱۳۹۵)، **حقوق بین‌الملل اقتصادی**، ترجمه: محمد حبیبی مجنده، ج ۳، تهران: جنگل.
- ۲- برجام (۱۳۹۴)، ترجمه شده توسط وزارت امور خارجه ایران، قابل دسترس در:  
[www.mfa.gov.ir/uploads/150726-JCPOA-PERSIAN-Final-11\\_56083.pdf](http://www.mfa.gov.ir/uploads/150726-JCPOA-PERSIAN-Final-11_56083.pdf)
- ۳- حبیبی مجنده، محمد و دیگران (۱۳۹۱)، «تحریم‌های اقتصادی و نقض حق بر آموزش»، **حقوق بشر**، ش ۱.
- ۴- خانی، حامد (۱۳۹۸)، «تاثیر تحریم‌های آمریکا بر امنیت بهداشتی شهروندان ایرانی»، **خبرگزاری مهر**، قابل دسترس در:  
<https://www.mehrnews.com/news/>
- ۵- خواجوی، غلامرضا (۱۳۹۱)، «تحریم اقتصادی از منظر حقوق بین‌الملل با تاکید بر حقوق بین‌الملل اقتصادی و حق توسعه»، **دوفصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی (دانش و توسعه سابق)**، س ۱۹، ش ۲.
- ۶- زایدل هوهن و فلدرن، آیگناتس (۱۳۹۷)، **حقوق بین‌الملل اقتصادی**، مترجم: سید قاسم زمانی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- ۷- زمانی، قاسم و کاظم غریب‌آبادی (۱۳۹۶)، «تحریم‌ها به مثابه نقض تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در زمینه حمایت از حقوق بشر»، **فصلنامه حقوق پزشکی**، س ۱۱، ش ۴۰.
- ۸- سید تقی‌زاده، سید حمید (۱۳۹۸)، «بررسی مشروعیت تحریم‌های یکجانبه آمریکا پس از خروج از برجام براساس منشور ملل متحد»، **فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل**، س ۱۲، ش ۴۷.
- ۹- عباسی، محمود و دیگران (۱۳۹۴)، «الزامات حقوقی اسناد بین‌المللی در قبال بهداشت و سلامت عمومی و چالش فراروی آن»، **مجله علمی سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران**، دوره ۳۳، ش ۲۰.
- ۱۰- غمامی، سید محمدمهدی (۱۳۹۰)، «حقوق بین‌الملل اولین قربانی تحریم‌ها»، **فصلنامه حمایت**، ش ۲۳.
- ۱۱- غمامی، سید محمدمهدی (۱۳۹۲)، «تحلیل گفتمان ضدحقوقی تحریم‌های آمریکا علیه دولت ایران»، **فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی**، س ۲، ش ۴.
- ۱۲- مجیدی، حسن (۱۳۹۵)، «تحریم‌های یکجانبه آمریکا؛ مصداق نقض حقوق اولیه و انسانی مردم ایران»، **پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد علوم سیاسی**، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
- ۱۳- منتظران، جاوید (۱۳۹۷)، «مشروعیت تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران»، **مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری**، قابل دسترس در: <http://www.css.ir/fa/content/114750>
- ۱۴- نیاورانی، صابر و جاوید، احسان (۱۳۹۵)، «حق دسترسی به داروهای اساسی در چارچوب موافقتنامه تریپس و چالش حمایت از حقوق بین‌الملل بشر بر سلامت»، **مجله حقوقی بین‌الملل**، ش ۵۴.

لاتین:

- 15- Aneski, Tsunetsugu and Masashira, Munakata (2005). *Illness and Health Policy in Japan*, Oxford: Blackwell Publishing.
- 16- Bieter, Dieter (2006). *The protection of the right to education by international law: including a systematic analysis of Article 13 of the International Covenant on Economic, Social, and Cultural Rights* Martinus Nijhoff.
- 17- Grenell, Richard (2018). U.S. wants Germany to halt trade with Iran, Available at: [www.foxnews.com/world/2018/05/11/u-s-wants-germany-to-halt-trade-with-iran.html](http://www.foxnews.com/world/2018/05/11/u-s-wants-germany-to-halt-trade-with-iran.html)
- 18- Katzman, Kenneth (2012). *Iran Sanctions*, Congressional Research Service (USA), 7-, RS20871, www. crs.
- 19- Prasad, Rajendra (2005). *The Right to Education: Some Theatrical Issues, Contemporary Issues and Social*, Jawaharlal Nehru.
- 20- Resolution of 2231 (2015). Available at: <http://www.un.org>.

